

هفته محوری و کارکرد متفاوت آن در هفت پیکر

دکتر محمدرضا براتی*

چکیده: هفت پیکر براساس زندگی بهرام و بر مبنای عدد پر رمز و راز هفت سروده شده است، چنانکه خود هفت نیز هفت‌تاست؛ از جمله آنها هفت سیاره و هفت روز هفته است. نظامی در این منظومه در سه موضع از سیارات نام برده است: در توصیف معراج نبی مکرم اسلام (ص)، در توصیف هفت گنبد و در داستان‌های هفت‌گانه. او در دو موضع اولیه، ترتیب و قواعد علمی و نجومی رایج روزگار خود را رعایت کرده است، اما در موضع سوم شیوه دیگری در پیش گرفته که آن نیز مبنای علمی دارد. این گفتار به بررسی جایگاه هفته و نظم و ترتیب سیارات هفت‌گانه در هفت پیکر نظامی پرداخته است.

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلیدواژه: هفت پیکر، هفته، هفت سیاره، نظم نجومی.

۱. درآمد

در هفت پیکر تناسب و رابطه تنگاتنگی بین روزهای هفته و سیارات منظومه شمسی وجود دارد. بدین ترتیب که بر هر روزی از هفته، یک سیاره فرمانروایی داشته و روز آن سیاره به حساب می‌آید. با توجه به نقل نظامی در هفت پیکر، کیوان بر روز شنبه، شمس بر یکشنبه، ماه بر دوشنبه، مریخ بر سه‌شنبه، عطارد بر چهارشنبه، مشتری بر پنجشنبه،

و زهره بر روز آدینه فرمان می‌راند.

از دوران باستان در میان اقوامی که واحد زمانی آنان هفته بوده، این رابطه و تناسب بین سیارگان منظومه شمسی و هفت روز هفته وجود داشته است. بهترین گواه، هم‌نامی روزهای هفته با سیارات در بیشتر زبان‌های اروپایی است. چنانکه شنبه (Saturn)، برابر زحل و سیاه رنگ است و به نام کیوان خوانده می‌شود. در زبان انگلیسی saturday، فرانسه Samedi، آلمانی Samstag و به معنی روز زحل است؛ یک‌شنبه (Sunday)، روز خورشید است و زرد رنگ، در فرانسه Diamanche و آلمانی Sonntag؛ دوشنبه (Monday): روز ماه و سبز رنگ، در فرانسه Lundi و آلمانی Montag؛ سه‌شنبه، در انگلیسی Tuesday، فرانسه Mardi و آلمانی Dienstag که گویای مارس و خداوند جنگ است و به فارسی بهرام خوانده می‌شود و پوشش آن سرخ رنگ است؛ چهارشنبه، در انگلیسی Wednesday، فرانسه Mercredi و آلمانی Mittwoch که منسوب به مرکور است و در برابر عطارد و ستارهٔ قلم و نویسندگی و فیروزقام است؛ پنج‌شنبه، در انگلیسی Thursday، فرانسه Jeudi، آلمانی Donnerstag با ژوپیتر (مشتري) نسبت دارد و در فارسی اورمزد و صندل‌گون است و جمعه که آدینه خوانده می‌شود و در انگلیسی Friday، فرانسه vendredi و آلمانی Freitag که منسوب به ونوس و در تازی زهره و به فارسی ناهید گفته می‌شود و سفید رنگ است.

۲. پیشینهٔ انتساب روزهای هفته به اختران

نخستین شواهد انتساب روزهای هفته به اختران را در سرزمین ما باید در نوشته‌های مانویان جستجو کرد. در ایران پیش از اسلام به ویژه ایران زردشتی، هفته واحد زمان نبوده، بلکه ماه و روز بوده است و هر روز ماه به نام ایزدی خوانده و تاریخ هر رویداد با ذکر نام ماه و نام روز مشخص می‌شد؛ مثل ماه فروردین، روز خرداد. افزون بر این، ایرانیان روزهای ماه را به چهار گروه تقسیم می‌کردند و هر گروه با نام خدا، اهورامزدا یا دادار آغاز می‌شد. گروه اول شامل نام امشاسپندان؛ گروه دوم نام ایزدان، نماد نیروهای

طبیعی، مثل آذر، آب، خور، ماه، تیر؛ گروه سوم و چهارم نام ایزدانی که بیشتر نماد قوای روحانی و معنوی انسانی هستند که البته در میان آنها استثنا نیز وجود دارد، مانند آسمان و زمین؛ اما روزهای این چهار گروه که در ماه سی روزه تثبیت شده‌اند یکسان نیستند. دو گروه اول هر یک، هفت روز و دو گروه دوم، هریک هشت روز دارند. این تقسیم بندی که با هفته هفت روز بابلی قدیم و امروزی ما تفاوت کلی دارد، هنوز در تقویم زردشتی پایدار مانده است.^۱

تنها گروه از ایرانیان غیرزردشتی که با هفته آشنایی داشته‌اند، مانویان بودند. آنان هفته را در سنت دینی خود حفظ کرده‌اند و در متونی که از روزهای مانوی سخن رفته، روزهای هفته را نام برده‌اند. در متون سغدی مانوی هم روزهای هفته گاهی به صورت شنبه، یکشنبه، ... و آدینه و گاه به نام سیارات هفت‌گانه نوشته می‌شد. این نوع نامگذاری احتمالاً از مانویان ایران وام گرفته شده است. چون در متون فارسی میانه و پارتی مانوی نیز شواهدی دارد. اما نامگذاری هفته به نام هفت سیاره ویژگی متون سغدی است. ترکیب جالب گاهنامه سغدی، با استفاده از نام امشاسپندان و ایزدان برای روزهای ماه و نام سیارات برای روزهای هفته در چندین متن مشاهده می‌شود.^۲ در مقایسه نام روزهای هفته در متون مانوی سغدی با روزهای هفته در لاتین و زبان‌های اروپایی، رد پای از سیارات هفت‌گانه می‌بینیم.^۳

گردش سیارات هفت‌گانه و بروج فلکی در باورهای مردم باستانی تأثیر عمیق داشته است. سومریان شاید نخستین قومی باشند که متوجه سیارات شدند و آنها را چون ربّ النوع می‌پرستیدند. این توجه به سیارات از سومریان به بابلیان رسید. بابلیان که به آسمان و شناخت اسرار آینده و سرنوشت انسان از راه گردش سیارات توجه داشتند، به چند مسأله علمی از جمله مقیاس زمان و تقسیم آن به سال، ماه، هفته، روز، ساعت، دقیقه و ثانیه نیز پی بردند. بابلی‌ها نخست به پنج سیاره قابل بودند و بعد خورشید و ماه

۱. قریب، بدرالزمان: ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۲۲.

را نیز به آن اضافه کردند و معبد مشهور سیارات هفت‌گانه را به همین مناسبت ساختند.

۳. رابطه روزهای هفته با اختران در شعر فارسی

در میان شعرای ادب فارسی، حکیم نظامی از معدود شاعرانی است که رابطه هفت روز هفته را با هفت سیاره و هفت رنگ و هفت اقلیم منعکس کرده است. البته مسعود سعد قبل از او درباره روزهای هفته و نسبتش با سیاره در مصرع اول، به جز پنجشنبه، اینگونه سروده است:

بر روی آفتاب به من ده شراب ناب...	یکشنبه است و دارد نسبت به آفتاب
چو ماه مجلس بفروز و جام باده بخواه...	دوشنبه است که دارد مزاج ماه ای ماه
چرا بساده ندهی مرا ای عجب...	سه‌شنبه به مریخ دارد نسب
نشاط باید کرد و نیند باید خواست...	چهارشنبه بتا نوبت عطارد راست
پنج‌شنبه به مشتری منسوب...	باشد ابرو و موی و خوی تو خوب
چون آمد لهو و شادی آرد...	آدیسه مزاج زهره دارد
مرا این چنین روز بی می‌مدار...	زحل والی شنبه است ای نگار

(مسعود سعد: ص ۵۵۱-۵۵۲)

چنان که مشاهده می‌شود مسعود سعد درباره سیارات و رنگ آنها سخنی نگفته است.

سنایی نیز در منظومه سیرالعباد الی المعاد، قطعاتی درباره خواص سیارات سروده است، ولی راجع به نسبت آنها با روزهای هفته چیزی نگفته است. او به مراحل مختلف تولد انسان توجه دارد. در نظر او تا وقتی که کودک در شکم مادر است، نه فلک و هفت ستاره به او نظر می‌کنند. وقتی که منی است زحل و چون خون شود مشتری به او نظر دارد؛ چون طبع خون، گرم و تر می‌باشد، مانند طبع مشتری. وقتی گوشت پاره شود مریخ بدو نظر می‌کند و همین طور وقتی جان و روح در وی آید خورشید، چون صفت آفتاب احیا و تدبیر است. بعد از آن زهره و عطارد و ناچار طبع عطارد در کودک منجر به

جنبش و حرکت می شود.^۱

شیخ محمود نیز در گلشن راز به جایگاه سیارگان در افلاک اشاره دارد:

ششم برجیس را جای و مکان است	به هفتم چرخ کیوان پاسبان است
به چهارم آفتاب عالم آرای	بود پنجم فلک بهرام راجای
قمر بر چرخ دنیا گشت وارد	سوم زهره دوم جای عطارد

(شستری: ص ۷۶)

۴. هفته و نظم سیارگان در هفت پیکر نظامی

گرچه ماه در نزد ساسانیان بدون هفته بوده و به سی روز تقسیم می شده و هر روزش نام ویژه آسمانی خود را داشته است، چنان که به عنوان مثال، بهرام نشانه بیستمین روز هر ماه بوده است، در حالی که برای نظامی، بهرام نماینده سه شنبه (روز مریخ) است. او در سه جا از منظومه هفت پیکر از سیارگان منظومه شمسی سخن گفته است: نخست در آغاز منظومه، در توصیف معراج پیامبر اسلام (ص):

ماه را در خط حمایل خویش	داد سرسبزی از شمایل خویش
بر عطارد ز نقره کاری دست	رنگی از کورهی رصاصی بست
زهره را از فروغ مهتابی	ببرقعی برکشید مهتابی
گرد راهش به ترکناز سپهر	تجاج زرین نهاد بر مهر
سبز پوشید چون خلیفه شام	سرخ پوشی گذاشت بر بهرام
مشتری را ز فرق سر تا پای	درد سر دید و گشت صندل سای
تاج کیوان چو بوسه زد قدمش	در سواد عبیر شد علمش

(نظامی: ۱۲)

و در توصیف هفت گنبد آورده است:

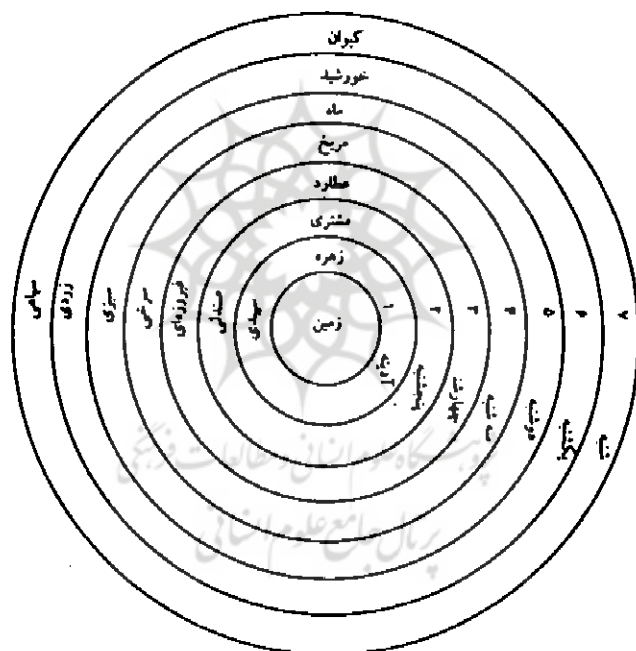
در سیاهی چو مشک پنهان بود	گنبدی کو ز قسم کیوان بود
صندلی داشت رنگ و پیرایه	و آن که بودش ز مشتری مایه
گوهر سرخ بود در کارش	و آن که مریخ بست پسرگارش
زرد بود، از چه؟ از حمایل زر	و آن که از آفتاب داشت خبیر
بود رویش چو روی زهره سپید	و آن که از زیب زهره یافت امید
بود پیروزه گون ز پیروزی	و آن که بود از عطاردش روزی
داشت سرسبزی ز طلعت شاه	و آن که مه کرده سوی برجش راه

(همان: ۱۲۵)

بدین ترتیب، شاعر نظم و ترتیب قرار گرفتن سیارات به شیوه دقیق و علمی را که در روزگار او رایج بوده، رعایت کرده است؛ یعنی ماه، عطارد، زهره، آفتاب، بهرام، مشتری و کیوان. در موضع دوم، کیوان، مشتری و مریخ کواکب علیا و زهره، عطارد و ماه، کواکب سفلی هستند. اما در موضع سوم، یعنی در قسمت میانی هفت پیکر، هفته‌ای که در هر روز آن افسانه‌ای توسط یکی از شاهدخت‌های هفت اقلیم نقل می‌شود، نظم و ترتیب علمی و نجومی تغییر می‌یابد که با نظام کلی متفاوت است، بدین ترتیب: روز شنبه، کیوان و رنگ مربوط به آن سیاه؛ یکشنبه، شمس و رنگ زرد؛ دوشنبه، ماه و رنگ آن سبز؛ سه‌شنبه، بهرام و رنگ سرخ؛ چهارشنبه، عطارد و رنگ پیروزه‌ای؛ پنج‌شنبه، مشتری و رنگ صندلی و روز آدینه، زهره و رنگ سپید.

در اینجا نیز فرمانروایی سیارات بر روزهای هفته و رنگ آنها تغییری نکرده است، اما تفاوت در نظم و ترتیب قرار گرفتن آنهاست که به جز روز شنبه و سیاره کیوان، بقیه روزها و ترتیب قرار گرفتن سیارات با دو نظم قبلی متفاوت است. نکته قابل توجه اینکه هفته‌ای که نظامی در نقل داستان‌های هفت‌گانه به کار گرفته است نیز اساس علمی و نجومی دارد. این هفته همان هفته رایج در میان برخی اقوام و طوایف در مغرب زمین و همچنین استرالیاست. هر یک از آنان در زبان رایج خود، روزهای هفته را به ترتیب: روز زحل، روز آفتاب، روز ماه، روز مریخ، روز عطارد، روز مشتری و روز زهره می‌خوانند. این گونه

نظم را در آغاز یونانیان ابداع کرده‌اند و به وسیله رومیان در مغرب زمین رواج یافته است و از عوارض جانبی مربوط به علم احکام نجوم به شمار می‌رود. یونانی‌ها برای معلوم کردن تأثیر سیارات بر ساعات، طبق اندیشه مصریان، شبانه روز را به بیست و چهار ساعت تقسیم کردند و هر یک از ساعات متعلق به یکی از سیارات بود، طبق نظم نجومی زیر:



هر سیاره‌ای که اولین ساعت روز به آن تعلق می‌گرفت، صاحب آن روز شناخته می‌شد، طبق جدول زیر:

روزهای هفته	ساعت اول	ساعت دوم	ساعت سوم	ساعت چهارم	ساعت پنجم	ساعت ششم	ساعت هفتم...	ساعت یست و چهارم
شنبه	زحل	مشتری	مریخ	خورشید	زهره	عطارد	ماه	مریخ
یکشنبه	خورشید	زهره	عطارد	ماه	زحل	مشتری	مریخ	عطارد
دوشنبه	ماه	زحل	مشتری	مریخ	خورشید	زهره	عطارد	مشتری
سه‌شنبه	مریخ	خورشید	زهره	عطارد	ماه	زحل	مشتری	زهره
چهارشنبه	عطارد	ماه	زحل	مشتری	مریخ	خورشید	زهره	زحل
پنجشنبه	مشتری	مریخ	خورشید	زهره	عطارد	ماه	زحل	خورشید
جمعه	زهره	عطارد	ماه	زحل	مشتری	مریخ	خورشید	ماه

چنان که ملاحظه می‌شود، نظم و توالی مورد استفاده نظامی در بخش افسانه‌های هفت‌گانه همان هفته رایج در اروپا و سایر نقاط تحت نفوذ اروپایی است که در زیر عنوان ساعت اول آمده است.^۱ این مطلب را ابوریحان در کتاب التّفهیم در قسمت مربوط به احکام نجوم با عنوان «روزها چگونه بخش کرده شد میان ستارگان» آورده است.^۲

از این ترتیب در شرح بیست باب ملاً مظفر نیز یاد شده است: «بدان که عدد تمامی ساعت مدّت یک هفته یک صد و شصت و هشت است و ارباب این صناعات هر ساعت مُعَوّجه را از این جمله به کوکی از کواکب سبعة نسبت کنند و ربّ آن ساعت نامند... و از آنچه گفتیم واضح و لایح گردد که در روز یکشنبه ربّ ساعت اولی که آن ساعت اول بود از جمله ساعات یک صد و هشت‌گانه، شمس است و در روز دوشنبه ربّ ساعت اول که ساعت بیست و پنجم بود، قمر و سه‌شنبه ربّ ساعت اول که آن ساعت چهل و نهم بود، مریخ و در روز چهارشنبه ربّ ساعت اول که آن ساعت هفتاد و سوم بود، عطارد و روز پنج‌شنبه ربّ ساعت اول که آن ساعت نود و هفتم بود، مشتری بود و در روز جمعه که

۱. همایون: ص ۱۸۷.

۲. بیرونی، ابوریحان: ص ۳۶۲-۳۶۳.

ربّ ساعت اوّل که آن ساعت یک صد و چهل و پنج بود، زحل^۱ باری، با توجه به مطالب بیان شده، گرچه در روزگار ساسانیان ماه بدون هفته بوده و هر روزی از آن به نام خاصی خوانده می شده است، نظامی در هفت پیکر برای تبیین فرمانروای آرمانی خود از مفهوم هفته محوری با دو کارکرد متفاوت بهره گرفته است: یک کارکرد در توصیف معراج پیامبر اسلام (ص) و توصیف هفت گنبد و دیگری در نقل داستان های هفت گانه. در دو شیوه نخست، نظم و ترتیب دقیق و علمی روزگار خود را به کار گرفته است. کارکرد اخیر نیز جنبه علمی دارد و در میان برخی اقوام و طوایف کاربرد دارد. این روش را یونانیان در آغاز از مصریان آموختند؛ بدین ترتیب که برای معلوم کردن تأثیر سیارگان بر ساعات شبانه روز، آن را به بیست و چهار ساعت تقسیم کردند. هر روز که اوّلین ساعت به سیاره ای تعلق می گرفت روز آن سیاره محسوب می شد. بدین ترتیب سیاراتی که اوّلین ساعت روز به آنها تعلق می گرفته است به ترتیب عبارتند از: شنبه زحل، یکشنبه شمس، دوشنبه ماه، سه شنبه مریخ، چهارشنبه عطارد، پنجشنبه مشتری و آدینه زهره؛ این نظم همان است که نظامی در نقل داستان های هفت گانه به کار گرفته و در التفهیم بیرونی و شرح بیست باب ملاً مظفر نیز آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- بیرونی، ابوریحان. التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، تصحیح جلال الدین همایی، انجمن آثار ملی، چاپ اوّل، [بی تا].
- سنایی، محدود بن آدم. مثنوی های حکیم سنایی، تصحیح دکتر محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- شبستری، شیخ محمود. گلشن راز، به اهتمام دکتر صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ اوّل، ۱۳۶۸.

- مسعود سعد. دیوان اشعار، به اهتمام پرویز بابایی، تهران، نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- نظامی، الیاس بن یوسف. هفت پیکر، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان. تهران، قطره، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- قریب، بدرالزمان. «هفته در ایران قدیم»، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۷۶.
- همایون. «هفته در هفت پیکر»، مجله آینده، سال نهم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۶۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی